



پیام فرمانده معظم کل قوا
به مناسبت هفته نیروی انتظامی

۲ صفحه



اطلاعیه حزب مردم سالاری
به مناسبت درگذشت آیت‌الله تاکندی

۱۲ صفحه

خبرگزاری آناتولی به نقل از منابع مطلع خبر داد

مذاکرات وین اوایل آبان از سر گرفته می‌شود

۳ صفحه



در گفت‌وگو با رئیس کمیته دستمزد شورای اسلامی کار مطرح شد

قراردادهای یک تا سه ماهه، ظلم آشکار در حق کارگران

۵ صفحه

یادداشت وارده



سیداحمد مطهری

نایب رئیس هیات‌مدیره سندیپکای شرکت‌های تولیدکننده برق

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در سال‌های پس از انقلاب به دلایل مختلف اجرا تقریباً ناکام مانده‌اند. در این میان برنامه‌های صنعت برق نیز مستثنی نبوده و البته به عنوان یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین زیر ساخت‌های توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی، می‌بایست جایگاهی پراهمیت در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور داشته باشد.

با این وجود اما جایگاه صنعت برق در این برنامه‌های راهبردی کاملاً قابل بحث بوده و به نظر می‌رسد بازنگری این جایگاه در برنامه هفتم از اهمیت بسزایی در تغییر مسیر و رونق بخشی به اقتصاد این صنعت برخوردار است. در این مجال برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و اصلی‌ترین نقدهای وارده به ویژه درخصوص نیروگاهها، کاهش تلفات و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، موثف شده امید آن می‌رود که در برنامه هفتم بسا اصلاح نگرش مجلس و دولت و مد نظر قرار دادن نقش فعالان غیر دولتی این صنعت و هدفگذاری برای توسعه پایدار صنعت برق با اتکا به پتانسیل‌های بخش خصوصی، این ایرادات تا حدی قابل قبول برطرف شود.

در پنجمین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بحث بسترسازی برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حوزه نیروگاهی مورد توجه قرار گرفته بود. در ماده ۱۳۳ این قانون وزارت نیرو به منظور تنوع‌بخشی در عرصه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاهها، کاهش تلفات و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، موثف شده بود علاوه بر حمایت از توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید برق توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی، در طول برنامه نسبت به افزایش توان تولیدی برق تا بیست‌وپنج‌هزار (۲۵۰۰۰) مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری بخش‌های عمومی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه و یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام کند. البته سهم بخش خصوصی از ۲۵ هزار مگاوات پیش‌بینی‌شده در برنامه پنجم توسعه حداقل ۱۰ هزار مگاوات تخمین زده شده بود.

نکته اینجا است که بر اساس بند «د» مقرر بوده بسه روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) نیروگاه‌های مورد نظر ساخته شوند، در حالی که در دستورالعمل تصویب شده در شورای اقتصاد اساساً به این روش‌ها توجهی نشده و عمدتاً بر هدایت سرمایه‌گذاران به بازار برق تمرکز شده است. بدیهی است قیمت‌های بازار عمده‌فروشی برق مطلقاً جریان سرمایه‌گذاری‌های کلان در احداث و بهره‌برداری نیروگاه‌های حرارتی را نکرده و برای سرمایه‌گذاران جذابیتی ندارد.

به علاوه این دستورالعمل به مواردی فراتر از قانون مورد استناد خود پرداخته و برای تولیدکنندگان غیر دولتی برق مشکلات جدی در سایر ابعاد قراردادی ایجاد کرد. به عنوان مثال دستورالعملی که قرار بود چارچوب خرید برق از این نیروگاه‌ها را برای وزارت نیرو روشن کند، فروش برق را مشمول حوزه قراردادهای دوجانبه، ورود در بورس انرژی تحت حاکمیت یک‌طرفه شرکت‌های توزیع و راه‌اندازی بازارهای متمرکز مانند بازار گواهی ظرفیت هم کرد. در حالی که سازماندهی هر یک از این موارد نیازمند یک چارچوب قانونی متمایز و مستقل بوده و هست. البته در ماده ۷ دستورالعمل مذکور، مساله نادیده انگاشتن حقوق سرمایه‌گذاران قبلی هم مورد نقد است. تبصره سه ماده هفت به این شرح است: «قراردادهای بلندمدت تبدیل انرژی و یا فروش برق به توانیر که در گذشته براساس ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی شرایط و تضمین خرید برق، موضوع بند «ب» ماده «۲۵» قانون برنامه چهارم توسعه منعقد گردیده و قراردادهای موضوع تبصره ۲ ایسن بند، به‌منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت به توانیر می‌باشند و از بابت واگذاری این امتیاز مبلغ جداگانه‌ای به سرمایه‌گذار نیروگاهی پرداخت نمی‌شود.» براین اساس توسعه مالکیت گواهی ظرفیت نیروگاه‌هایی که قرارداد بلندمدت تبدیل انرژی داشته و یا برق خود را براساس ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی شرایط

نقدی بر جایگاه صنعت برق در برنامه‌های توسعه

و تضمین خرید برق و موضوع بند «ب» ماده «۲۵» قانون برنامه چهارم توسعه، به توانیر می‌فروختند، از آنها سلب شده و به توانیر انتقال می‌یابد، به این ترتیب برخلاف منطق قانونی و اقتصادی، حقوق طبیعی سرمایه‌گذاران قبلی نیروگاهی نقض شد، آن هم در شرایطی که انتقال گواهی ظرفیت به توانیر در هیچ قانونی پیش‌بینی نشده و مجوز قانونی نیز برای آن صادر نشده است.

البته ایرادات دیگری هم به چگونگی اجرای قانون پنجم توسعه در بخش برق وارد بوده است که مهمترین آن عدم پیش‌بینی سازوکاری برای اخذ جریان مالی تاخیر در پرداخت مطالبات نیروگاه‌ها از محل فروش برق در بازار برق است. در ماده ۵ دستورالعمل آمده است: «عرضه کننده می‌تواند (تمام یا بخشی از) برق در اختیار خود را در چارچوب مقررات بازار برق به بازار عمده‌فروشی عرضه کند. مدیریت شبکه موظف است برای تمام عرضه‌کنندهها شرایط عرضه ظرفیت و رقیابت عاری از تبعیض برای تامین انرژی و فروش آن در بازار عمده‌فروشی و عرضه خدمات جانبی را فراهم کند.» در تبصره یک همین دستورالعمل هم مدیریت شبکه موظف شده و در صورت بروز خریداری شده از محل مبالغ دریافتی از خریداران بازار را براساس شرایط قراردادی به فروشندگان برق بپردازد. این امر در شرایطی که قراردادهای قیمابین نیروگاه‌ها و مدیریت شبکه فاقد خسارت دیرکرد پرداخت بوده و وزارت نیرو به طور معمول در پرداخت مطالبات این بخش تاخیر قابل توجهی دارد، منشاء زیان‌های غیر قابل جبرانی برای تولیدکنندگان غیر دولتی برق بوده است. دامنه این خسارات در طول چند سال اخیر و با وجود کاهش ارزش پول ملی گسترده‌تر هم شده است.

همچنین ماده ۱۱ دستورالعمل اجرایی بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه توسعه پنجم مسئولیت عقد قرارداد برای تامین سوخت و پرداخت هزینه‌های مربوط را برعهده سرمایه‌گذار گذاشته بود. نکته اینجا است که اختلافات مالی وزارت نیرو و وزارت نفت در خصوص هزینه سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها به لحاظ دولتی بودن طرفین معمولاً منجر به عدم تحویل سوخت نشده، اما ظرفیت بخش خصوصی در حالی که پول برق تحویلی را ننگرفته و در نتیجه بهدکار قیمت سوخت بود ریسک قطع شدن تحویل سوخت و در نتیجه توقف تولید برق را با ثبت قصور و تقصیر سرمایه‌گذار به دنبال خواهد داشت. پیش‌بینی این عواقب موجب تداوم عقد قرارداد تامین سوخت نیروگاهی توسط وزارت نیرو برخلاف صراحت دستورالعمل شورای اقتصاد شد که البته اتفاق درستی بود اما نشان‌دهنده عدم توجه و دقت کافی اعضای شورای اقتصاد به محتوای دستورالعمل‌های پیشنهادی و تصویب آنها است. همچنین این امر بر خلاف روح قانون در بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه منبئ بر ترغیب نیروگاه‌ها برای تولید نیروی برق است و شرایط را برای تولید برق دشوار می‌کند.

این اشکالات در طول اجرای برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که البته به دلیل تحویل دیرهنگام ششمین برنامه اجرای آن برای یک سال تمدید شد، عملاً ضربهانگ سرمایه‌گذاری‌ها در بخش تولید برق را کامل‌ا کند کرد.

در برنامه ششم توسعه هم البته ایرادات اساسی دیگری مطرح شد که باز هم نیروگاه‌های غیر دولتی را بیشتر متضرر کرد. اگرچه توسعه افزایش راندمان نیروگاهها، کاهش تلفات انتقال و توزیع و بهینه‌سازی مصرف بهینه برق، توسعه صادرات برق، افزایش سهم انرژی‌های پاک، از جمله سیاست‌های اصلی ابلاغی در دوره برنامه ششم توسعه برای بخش برق بود، اما شاید نتوان ارزیابی درستی از میزان تحقق این اهداف در طول سال‌هایی که صنعت برق بیشترین میزان کسری بودجه، تورم، نوسانات اقتصادی و بالاترین سطح رکود را تجربه کرد، ارائه داد. در هر صورت پس از تصویب برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی و ابلاغ آن به دولت، بیشترین نقد تولیدکنندگان غیر دولتی برق بر روی دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ این قانون بود که به تصویب بسیار دیرهنگام شورای اقتصاد رسید. بر اساس این ماده قانونی، دولت مکلف شده بود تا از طریق وزارت نیرو نسبت به افزایش توان تولید برق تا ۲۵۰۰۰ مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری مؤسسات عمومی غیر دولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری اعم از BOO و BOT اقدام کند. براساس این دستورالعمل قرار بود تنها نرخ خرید تضمینی از طریق شورای اقتصاد تعیین شود. لذا دستورالعمل بند (ت) ماده ۴۸

قانون برنامه پنج‌ساله ششم تنها بایستی ناظر بر تعیین نرخ و نوع خرید تضمینی باشد به نحوی که منظور قانون‌گذار جذب سرمایه‌گذار محقق شود.

محوریت این مساده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق و آن هم بر اساس نرخ تعیین‌شده در شورای اقتصاد تاکید داشته به گونه‌ای که باید یک نرخ مشخص با روندی تعدیل‌پذیر یا یک فرمول مشخص از سوی شورای اقتصاد شده و مورد تایید قرار می‌گرفت.

نکته بسیار کلیدی اما این بود که برای اجرای صحیح این ماده قانونی تعیین نرخ پایه عادلانه خرید تضمینی برق از همان ابتدای پیاده‌سازی برنامه ششم در قراردادهای تبدیل انرژی با توجه به دوره خرید و نوع قرارداد BOO/BOT از اهمیت بسزایی برخوردار بود. افزون بر اینکه تعیین نرخ تعدیل مناسب برای تعدیل نرخ در سال‌های بعدی برنامه ششم هم در زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاران جدید نیروگاهی اثری غیر قابل انکار داشت.

در حقیقت سرمایه‌گذاران حوزه تولید برق انتظار داشتند که در شورای اقتصاد نرخ پایه خرید تضمینی برق به‌گونه‌ای براساس مدل‌های مالی تعیین شود که سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه ۱۵ درصدی خود براساس مصوبات صندوق توسعه ملی دست یابد.

تولیدکنندگان غیر دولتی برق البته نظرات اصلاحی قابل توجهی درخصوص بندهای ۴۴ و ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه داشتند که انتظار می‌رود برای حفظ ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی در حوزه تولید برق سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه ۱۵ درصدی خود براساس شورای اسلامی قرار گیرد.

اولین نکته درخصوص برنامه ششم، حول محور بند (ب) ماده ۴۴ مطرح شده بود. در این بند آمده است: «وزارت نیرو موظف است که به‌منظور افزایش بازدهی و ضریب بهره‌وری نیروگاه‌ها، برای نیروگاه‌هایی با بازدهی ۶۰-۵۵ درصد موافقت اصولی صادر و قیمت خرید برق را بنا به سازوکارهای بازار در بورس تعیین کند.» واقعیت این است که درج قید تاکید وظیفه‌ه (و نه اختیار) برای وزارت نیرو درخصوص صدور موافقت اصولی برای احداث نیروگاه‌هایی با راندمان بالاتر از مقادیر کنونی، از مزایای این ماده محسوب شده و رغبت لازم را برای ارتقای بهره‌وری در سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد، ولی این نقاط قوت در صورتی در اجرا اثرگذار خواهد بود که مشکلات و معضلات موجود در وضعیت بورس انرژی با تدوین آیین نامه اجرایی تا حدی مرتفع شود. به ویژه آنکه مشکلات پرتعداد در مدیریت بورس انرژی، نه تنها رغبت لازم را برای حضور سرمایه‌گذاران در این عرصه فراهم نمی‌آورد بلکه منجر به گریز آنها شده است.

این مشکلات عمدتاً از اعمال عامدانه محدودیت نرخ با مدیریت وزارت نیرو و از طریق شرکت‌های توزیع که خریداران اصلی برق در بورس انرژی هستند، ناشی شده و عملاً بورس را از ایفای نقش در ایجاد بازار رقابتی و شفافیت در قیمت باز داشته است. به علاوه میزان تزریق پول به صورت فطره‌چکانی به معاملات بورس با مدیریت مالی وزارت نیرو دقیقاً مخالف منظور نظر قانون‌گذار در ماده ۴۴ است که به لزوم «سازوکار بازار» یعنی تعادل منطقی و خارج از تباتی خریدار و فروشنده و عرضه و تقاضا در بورس تاکید کرده است.

بند ۴۴ قانون توسعه ششم باید به ایجاد سازوکاری تضمین شده در بورس انرژی منجر می‌شد که بر اساس آن سرمایه‌گذار به امکان فروش برق تولیدی ناشی از سرمایه‌گذاری کلان خود در بورس با قیمت‌های عادلانه و منطقی اطمینان یابد، اما متأسفانه این اتفاق در طول سال‌های پیاده‌سازی قانون ششم رخ نداد.

همان‌گونه که در این نوشتار اشاره شد در بند (ت) ماده ۴۸ قانون مذکور محوریت این مساده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق براساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید دارد. در حقیقت برای اجرایی شدن این ماده و افزایش ظرفیت تولید تا ۲۵۰۰۰ مگاوات در ۵ سال با اتکا بر قراردادهای BOO و BOT و خرید تضمینی برق می‌بایست بسترسازی‌های لازم برای افزایش رغبت سرمایه‌گذار انجام می‌شد، اما متأسفانه روشی که وزارت نیرو در طول سال‌های گذشته پیش گرفت این بود که ضمن محوکردن تضامین ضروری عرفی طرف دولت در قراردادها، به جای تسهیم عادلانه ریسک‌های سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر، به تدریج آنها را به سمت بخش خصوصی سوق داد.

به این ترتیب هر ساله رغبت سرمایه‌گذاران نیروگاهی برای حضور در صنعت

مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

یکشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۰ - ۳ ربيع الاول ۱۴۴۳ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱ - سال یستم - شماره ۵۵۴ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با «مردم‌سالاری» تشریح کرد

چه کسی از مناقشه ایران و آذربایجان سود می‌برد؟

به دولت آقای رئیسی این انتقاد مطرح است که موضوع برجام را به حالت تعلیق در آورده و اقدامی برای آن انجام نمی‌دهند

۲ صفحه

دبیرکل حزب مردم سالاری:

وزارت خارجه، مذاکرات وین و گستاخی

الهام علی‌اف و خشونت طالبان را فراموش نکند

۲ صفحه

گسترش واکسیناسیون سراسری به آموزش مجازی پایان خواهد داد

بازگشایی همه مدارس کشور از نیمه دوم آبان

گروه اجتماعی - محمدحسین یزدی: بازگشایی مدارس دغدغه‌ای است که حداقل در یک سال اخیر همواره وجود داشته است و تلاش زیادی شده است تا یک بار دیگر آموزش در مدارس کشور حضوری شود. در دیگر کشورهای دنیا، رعایت پروتکل‌ها و واکسیناسیون دو شرط اساسی برای بازگشایی مدارس بود و بسیاری از کشورها با توجه به برنامه‌ریزی‌هایی که داشتند ماها قبل مدارس را بازگشایی کردند اما در ایران علی‌رغم تلاشی که شده است، هنوز شرایط لازم برای این کار مهیا نیست. همراه ۱۳۹۹ یکبار تلاش شد تا دانش‌آموزان به مدرسه فراخوانده شوند اما دستور آموزش و پرورش فقط یک روز دوام آورد و از دوم مهرماه مدارس دوباره آموزش غیرحضوری را در دستور کار قرار دادند و…

۴ صفحه

یک هنرمند دیگر بر اثر کرونا درگذشت

وداع با عزت الله مهر آوران

۹ صفحه

تولید برق کاهش یافت. روش معیار قانون مندرج در دستورالعمل شورای اقتصاد روش برگزاری مناقصه بین متقاضیان سسرنامه‌گذاری است که اصولاً تطبیقی با نظر قانون‌گذار نداشته و با گذشت نزدیک به ۵ سال از برنامه ششم حتی یک مورد هم با روش مندرج در دستورالعمل سسرنامه‌گذاری برای احداث نیروگاه حرارتی جذب نشده است.

نکته بسیار کلیدی دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که برای برنده مناقصه، بازده ۵ تا ۷ ساله برای قرارداد در نظر گرفته شده، آن هم با عرضه برق به بازار عمده‌فروشی که خود چند سال تاخیر در پرداخت پول برق دارد و پرداخت مابه‌التفاوت نرخ برنده مناقصه با نرخ بازار برق را منوط به افزایش نرخ فروش برق به مصرف‌کنندگان توسط وزارت نیرو کرده که امری بعید و دور از انتظار در طول سال‌های اخیر بوده است.

البته جالب است که در دستورالعمل مذکور مشکل مالی انتقال و توزیع برق برای وزارت نیرو به شکلی عجیب و خارج از قانون حل و فصل شده و با تعیین دو ضریب ۲۵ درصدی از نرخ خرید برق به نفع وزارت نیرو تامین مالی شده است (ماده یک تبصره ۲) مصوبه وزیر نیرو در زمینه تعیین مقررات (نرخ و ضوابط مرتبط) ترانزیت انرژی الکتریکی در شبکه برق کشور)

این در حالی است که کم‌انک هیچ جریان تاخیری برای پرداخت صورتحساب‌ها دیده نشده و سرمایه گذار هیچ تامینی برای بازگشت سرمایه خود ندارد. به طور خلاصه باید گفت که این قانون با چنین دستورالعملی برای بازگشت سرمایه و سود قابل رقابت با سرمایه‌گذاری‌های مشابه در صنعت کشور هیچ جذابیتی را برای سرمایه‌گذاری نیروگاه حرارتی ایجاد نکرده و نمی‌کند. با این روند توقف سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه تولید برق که در طول سال‌های برنامه ششم توسعه به تدریج رخ داده، کاملاً قابل انتظار بوده است.

در این میان نحوه تعیین نرخ پایه به نحوی که سرمایه‌گذاران غیر دولتی بتوانند بر اساس مدل‌های مالی و اقتصادی معمول با عرضه برق در بازار عمده‌فروشی و نیز بورس انرژی، به ادرا، نیروگاه‌های تحت تملک خود بپردازند هم مساله‌ای است که در طول این برنامه محقق نشد. وفق ماده ۶ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق موضوع بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مقرر بوده وزارت نیرو دستورالعملی را برای تعیین نرخ پایه بازار برق طرف دو ماه تعیین و ابلاغ کند که متأسفانه به لحاظ بی‌انگیزی وزارت نیرو این ابلاغ با گذشت بیش از ۱۴ ماه آن هم به صورت ناقص و فقط با اعلام یک رقم (به جای دستور العمل) صورت گرفت. متأسفانه همین ابلاغیه دیرهنگام هم به دلیل تغییرات شدید نرخ ارز و هزینه تمام شده تولید برق افزایش خود را کاملاً از دست داد.

جای بسی تعجب است که وزارت نیرو به جای تلاش در حفظ و نگهداشت سرمایه‌گذاران غیر دولتی، با وضع مقررات مختلف و بعضاً معیار با قوانین و آرای دیوان عدالت اداری در این سال‌ها نه تنها نقش حاکمیتی و ملی خود را به درستی ایفا نکرده، بلکه بر حفظ و تقویت یکجانبه خریداران دولتی برق (عمدتاً شرکت‌های توزیع) و شرکت شبکه برق ایران متمرکز بوده است. مشکل اینجا است که وزارت نیرو در این مسیر از ساختارهای غیرقانونی همچون هیات تنظیم بازار نیز به عنوان وسیله اعمال قدرت خود در خرید برق استفاده کرده و حالا که با همت و نظر مجلس شورای اسلامی مقرر است نهاد تنظیم‌گر بخش برق (رگولاتوری) تشکیل و خلاله تعدیل در روابط خریدار و فروشنده برق را به صورت قانونی پر کند، نهایت تلاش و جدیت را در تغییر دبیرخانه این نهاد از شورای رقابت به وزارت نیرو اعمال و دنبال می‌کند.

امروز کشور در آستانه تقدیم هفتمین برنامه توسعه پنج‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مجلس شورای اسلامی است. با این تفاوت که شرایط صنعت برق به عنوان یکی از مهمترین پشتران‌های توسعه پایدار و زیرساخت اصلی توسعه صنعتی و تامین رفاه عمومی، نسبت به گذشته بسیار بحرانی‌تر است. برنامه هفتم از این جهت برای صنعت برق اهمیت دارد که اولاً می‌تواند به یک بستر قانونی مناسب برای خروج این صنعت از بحران تبدیل شود و ثانیاً قادر است زمینه را برای بازگشت رونق به سرمایه‌گذاری‌های این صنعت فراهم کند. نکته اینجا است که آنچه که بخش خصوصی در طول سالیان گذشته به عنوان نقاط ضعف و یا قوت برنامه‌های پنج ساله توسعه عنوان کرده می‌بایست به صورت جدی در هفتمین برنامه مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت این برنامه هم می‌تواند به جای حل مساله، بر مشکلات صنعت برق بیفزاید و به بی‌انگیزی سرمایه‌گذاران این صنعت بیش از گذشته دامن زند.